



## نقش ترس از صمیمیت و تعارضات زناشویی والدین در پیش‌بینی کمرویی پسران نوجوان

احد نجفی<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** فضای خانواده و تعامل اعضا بدون شک یکی از عوامل مؤثر بر خصوصیات روانی اعضای خانواده و به خصوص فرزندان است. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش ترس از صمیمیت و تعارضات زناشویی والدین در پیش‌بینی کمرویی پسران نوجوان آنها است. **روش:** روش پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی پسر شهرستان عجب شیر که از بین آنها ۲۳۰ نفر به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و به پرسشنامه کمرویی زیمباردو و نیز والدین آنها به دو پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی و ترس از صمیمیت ۳۵ سؤالی دسکوتر پاسخ دادند. داده‌ها از طریق همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان توسط برنامه SPSS تحلیل شدند. **یافته‌ها:** یافته‌ها بیانگر رابطه مثبت معنادار دو متغیر تعارضات زناشویی و ترس از صمیمیت والدین با کمرویی نوجوانان آنها بود. همچنین ترس از صمیمیت در پدران بیش از مادران پیش‌بینی‌کننده کمرویی نوجوانان پسر بود. **نتیجه‌گیری:** به طور کلی نتایج بیانگر این مطلب است که هرچقدر والدین از صمیمی شدن هراس داشته باشند احتمال آن که آنها به عنوان یک الگوی منفی در یادگیری ارتباط مؤثر فرزندان با دیگران عمل کنند و فرزندان کمرو تری را بار آورند بیشتر است. **کلید واژه‌ها:** ترس از صمیمیت، تعارضات زناشویی، کمرویی

۱. کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، E-mail: [ahadnajafi26@gmail.com](mailto:ahadnajafi26@gmail.com)



## مقدمه

بدون شک تعاملات درون خانواده یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر حالات روحی و روانی اعضای خود به ویژه فرزندان است. کمرویی واکنشی هیجانی است، فردی که قادر به برقراری ارتباط با دیگران نیست، احساس می کند که از دوستان و نزدیکان جداست و به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از دیگران از روابط اجتماعی بهره می برد. چنین فردی نمی تواند احساسات خوشایند یا ناخوشایند، ترس‌ها و نگرانی‌ها و آرزوها و امیدهایش را با نزدیکان و دوستان در میان بگذارد و پاسخ‌ها و عکس‌العمل‌های ایشان را دریافت کند، بدیهی است کودکان کمرو متعلق به والدینی هستند که خودشان کمرویی دارند (افروز، ۱۳۷۹). همچنین کمروها در زمینه‌هایی که مستلزم ارتباط با دیگران است عملکرد مناسبی از خود نشان نمی‌دهند این افراد قادر به ابراز احساسات واقعی خود، رد خواهش‌های نامعقول دیگران و دفاع از حقوق حق خود نمی‌باشند، مشکلات بین فردی آنها باعث می‌شود تا برنامه‌ریزی صحیحی برای زندگی‌شان نداشته باشند و در نتیجه از نیروهای بالقوه خود نتوانند استفاده نمایند. کمرویی را می‌توان به عنوان ناراحتی فرد و سرکوبی و فرونشانی جزئی رفتار و پاسخ‌های اجتماعی فرد به ویژه در حضور اشخاص ناشناس و هنگامی که به رفتار فرد دقت می‌کنند تعریف کرد. تحقیقات نشان داده که ۹٪ افراد بزرگسال خجالتی، گمان می‌کنند کمرو به دنیا آمده‌اند و ۷۰٪ کمرویی در اغلب اعضای خانواده‌شان بوده است (کارد و جی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ ترجمه قائمی، ۱۳۸۴). مطالعات بیان کننده رابطه اضطراب در والدین و فرزندان آنهاست، یکی از تبیین‌های صورت گرفته این است که در حدود ۵۰٪ درصد از آمادگی برای اضطراب مثل رفتارهای اجتنابی و ترس از مورد ارزیابی قرار گرفتن ارثی است و از والدین به فرزندان به ارث می‌رسد (رابینسون<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۲). از دیگر مکانیزم‌های انتقال رفتارهای اضطراب همچون کمرویی از خانواده به والدین عبارتند از: (۱) روابط میان والدین و عملکرد خانواده به طور کلی (۲) الگوسازی والدین از رفتار اضطرابی (۳) دلبستگی والد - فرزندی و موارد دیگر (بوگل و برچمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). راپی<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) در تحقیقی به این نتیجه رسید که رفتارهای غیرقابل پیش بینی و زننده والدین منجر به شکل‌گیری نوعی دلبستگی نایمن و ارزیابی محیط به عنوان محلی غیرقابل کنترل و غیر قابل اعتماد می‌شود که همین محیط غیرقابل اعتماد باعث بروز کمرویی در فرزندان نشان می‌شود. چنان‌که در پی مکانیزم جابجایی در تعارضات زناشویی بیشتر امکان دارد والدین نارضایتی خود را با نشان دادن رفتار نامناسب و طرد فرزندان برطرف کنند و به این ترتیب منجر به ایجاد دید منفی فرزندان نسبت به خود و ایجاد ترس از مورد ارزیابی منفی قرار گرفتن می‌شود (ماین و سالامون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰). ترس از صمیمیت این گونه تعریف شده است: عدم توانایی انتقال افکار و احساسات معنادار شخصی ناشی از اضطراب به دیگرانی که در زندگی شخص مهم ارزیابی می‌شوند، همچنین ترس از صمیمیت با سبک دلبستگی نایمن (نیاز و ترس همزمان از صمیمیت با دیگران) و مصرف الکل و مواد مخدر ارتباط دارد (دسکوتنر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱؛ به نقل از توربرگ و لیورس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). شکی نیست که تعارضات زناشویی والدین اثر بدی بر روح و روان فرزندان دارد، ایمری<sup>۸</sup> (۱۹۸۹) چهار حوزه مهم این تأثیر را خاطرنشان می‌سازد که عبارتند از: (۱) سبک نامناسب برخورد فرزندان با استرس (اجتناب و اضطراب) (۲) والدین بیشتر از روشهای نامناسب فرزند پروری ناشی از احساس عدم کنترل در خانه و خانواده استفاده می‌کنند که به افزایش اضطراب فرزندان کمک می‌کند (۳) تعارض والدین پیوند عاطفی میان والدین و بچه‌ها را از بین می‌برد که خود بر مشکلات می‌افزاید و (۴) تعارض والدین محیطی پر استرس می‌سازد که احساس ناامنی و ترس و کمرویی را شامل می‌شود، همچنین خود رفتارهای

1- Carducci

2- Robinson

3- Bogels &amp; Brechman

4- Rapee

5- Main &amp; Solomon

6- Descutner

7- Thorberg &amp; Lyvers

8- Emery



ناایمن فرزند تهدیدی بر تعارض بیشتر والدین همچون سر مقصوداری یکدیگر و نبود فرصت تنهایی برای صمیمیت و حل تعارض ناشی از حضور و وابستگی دائمی بچه به آنهاست. تحقیقات نشان می‌دهد نگرش فرزندان به تعارضات والدین یکی از عوامل مهم پیش بینی کننده عملکرد روانی آنها حتی بیش از تغییرات ساختاری مهمی همچون طلاق می‌باشد (کومینگز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). دو مطالعه طولی که به وسیله کومینگز و همکاران (۲۰۰۳) انجام شد نشان داده شد، رفتارهای ناسازگارانه‌ای همچون رفتارهای اضطرابی و اجتنابی کودکان از تعاملات والدین در هنگام تعارض همچون پرخاشگری والدین نسبت به یکدیگر تأثیر می‌پذیرد. در واقع هدف از این پژوهش بررسی نقش تعارضات زناشویی و ترس از صمیمیت والدین در پیش بینی کمروبی نوجوانان پسر است. تحقیق حاضر به دنبال آزمون این فرضها است:

- ۱- بین مؤلفه های تعارض زناشویی والدین با کمروبی نوجوانان پسر آنها رابطه مثبت معنادار وجود دارد.
- ۲- بین ترس از صمیمیت والدین با همسر و دیگران و کمروبی نوجوانان پسر آنها رابطه مثبت معنادار وجود دارد.
- ۲- ترس از صمیمیت پدر بیش از ترس از صمیمیت مادر در پیش بینی کمروبی پسران نوجوان نقش دارد.

## روش

روش این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر دبیرستانهای شهر عجب شیر بودند که از میان آنان با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای با تقسیم بندی شهر به پنج منطقه و مدارس هر منطقه به چند پایه و از هر پایه چند کلاس و از کلاسها تعداد لازم ۲۳۰ دانش آموز انتخاب و به پرسشنامه کمروبی پاسخ داده و والدین آنها نیز به دو پرسشنامه تعارضات زناشویی و ترس از صمیمیت پاسخ دادند به این صورت که ۱۵ نفر از آنان مادران و ۱۵ نفر پدران بودند. تحلیل داده‌ها نیز در نرم افزار Spss و از همبستگی پیرسون استفاده شد، همچنین برای پیش بینی کمروبی از روی مؤلفه‌های تعارض زناشویی و نیز ترس از صمیمیت والدین از رگرسیون همزمان استفاده گردید.

## ابزارها

۱. پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی و همکاران<sup>۲</sup> (MCQ): این پرسشنامه دارای ۴۲ سوال است که هفت حیطه تعارض زوجین را را بررسی می‌کند: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش هیجانی، افزایش رابطه با اقوام خود، کاهش رابطه با اقوام همسر، جدا کردن امور مالی از همدیگر، افزایش جلب حمایت فرزند. دامنه نمرات سوالها بین ۱ تا ۵ و دامنه نمرات پرسشنامه بین ۴۲ تا ۲۱۰ می‌باشد. پایایی این ابزار توسط براتی (۱۳۷۵)، برابر با ۰/۵۲ و توسط فرحبخش (۱۳۸۴) ۰/۶۹ محاسبه شد، هر چه قدر نمره بالاتر باشد تعارض شدیدتر است (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷).
۲. مقیاس ترس از صمیمیت<sup>۳</sup> (FIS): این مقیاس دارای ۳۵ سوال است و میزان ترس افراد از داشتن روابط صمیمانه با دیگران را می‌سنجد. فلاح زاده و همکاران (۱۳۹۰) مقیاس را بر روی ۵۶۷ نفر از زنان و مردان شهر تهران اجرا کردند، تحلیل عاملی ۲ عامل را در بین ۳۵ سؤال آشکار ساخت: عامل ۱ ترس از صمیمیت در «رابطه با همسر» و عامل ۲ ترس از صمیمیت در «رابطه با دیگران» است. همسانی درونی کل مقیاس ۰/۸۳، عامل (۱) ۰/۸۱ و عامل (۲) ۰/۷۹ و ضریب اعتبار بازآزمایی کل مقیاس ۰/۹۲ و برای

<sup>1</sup>- Cummings

<sup>2</sup>- marital conflict questionnaire

<sup>3</sup>- fear of intimacy scale



عامل‌های فرعی ۱ و ۲ به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۵ به دست آمد، همچنین همبستگی منفی (۰/۵۸-) این مقیاس با مقیاس صمیمیت والکر و تامپسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) حاکی از روایی و اگری آزمون است.  
۳. مقیاس کمروبی هندرسون- زیمباردو<sup>۲</sup>: پرسشنامه کمروبی نسخه ۷۹سؤالی بر روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. نمره‌گذاری از ۱ به ۵ خلی زیاد=۵، زیاد=۴، تاندازه‌ای کم=۳، خلی کم=۲، هیچ=۱) حداقل نمره ۷۹ و حداکثر نمره آزمون ۳۹۵ است. هر چه نمره بیشتر باشد کمروبی بیشتر است. در پژوهش رشیدی (۱۳۸۶) پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ در مورد ۵۰۰ نفر از دانشجویان ۰/۸۰ محاسبه شد، همچنین پایایی به روش دونیمه کردن ۰/۷۵ بدست آمد. منتظرغیب واحقر (۱۳۹۰) نیز همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ را بدست آورد که میزان بالای همسانی درونی این مقیاس را نشان می‌دهد.

#### یافته‌ها

#### جدول ۱. مربوط به آماره‌های توصیفی تعارض خانوادگی، ترس از صمیمیت و کمروبی فرزندان

مؤلفه‌ها	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	انحراف
تعارض کلی زناشویی	۲۳۰	۱۱۸	۶۷	۹۲/۴۳	۱۴/۵	۰/۹۵	
کاهش همکاری	۲۳۰	۵	۱۷	۹/۹۱	۲/۹۸	۰/۱۹	
کاهش رابطه جنسی	۲۳۰	۷	۲۲	۱۴	۴/۲۴	۰/۲۷	
افزایش واکنش‌های هیجانی	۲۳۰	۲۳	۹	۱۵/۵۶	۳/۷۱	۰/۲۴	
افزایش جلب حمایت فرزندان	۲۳۰	۶	۲۰	۱۰/۶	۳/۲۶	۰/۲۱	
کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان	۲۳۰	۷	۲۳	۱۳/۹۵	۳/۶۳	۰/۲۳	
افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۲۳۰	۷	۲۳	۱۴/۱۷	۳/۴۱	۰/۲۲	
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲۳۰	۹	۲۰	۱۴/۲۱	۳/۱۶	۰/۲۱	
ترس از صمیمیت در رابطه با همسر	۲۳۰	۸۶	۹۴	۹۰/۰۵	۲/۷۷	۰/۱۸	
ترس از صمیمیت در رابطه با دیگران	۲۳۰	۵	۱۷	۱۰/۴۳	۲/۹۰	۰/۱۹	
کمروبی	۲۳۰	۱۰۰	۳۱۹	۲۰۶/۵۶	۶۳/۰۵	۴/۱۵	

جدول شماره ۱ خلاصه آمار توصیفی مربوطه به متغیرهای پژوهش همراه با سایر مؤلفه‌های آنها آورده شده است. در این جدول برای هر یک از متغیرها و مؤلفه‌های آنها، کمینه و بیشینه داده‌ها، میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد آورده شده است.

<sup>1</sup>- Walker, & Thompson

<sup>2</sup>- Shyness scale of Henderson - Zimbardo



جدول ۲، رابطه بین تعارضات زناشویی و مؤلفه‌های آن و کمرویی فرزندان

تعارضات زناشویی	کاهش همکاری	کاهش رابطه جنسی	افزایش واکنش‌های هیجانی	افزایش جلب حمایت فرزندان	کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان خود	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	کمرویی
.۳۳۲**	.۱۹۴**	.۱۵۵*	.۳۹۸**	.۱۰۲	.۲۴۷**	.۱۶۶*	.۱۰۴	

$p < 0/01$  \*\*  $p < 0/05$  \*

جدول ۲ مربوط به رابطه بین تعارضات زناشویی و مؤلفه‌های آن است چنانکه می‌بینید بین تعارض کلی و مؤلفه‌های کاهش همکاری، افزایش واکنش‌های هیجانی، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان با کمرویی فرزندان در سطح  $p < 0/01$  رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نیز بین کاهش رابطه جنسی و افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود با کمرویی فرزندان در سطح  $p < 0/05$  رابطه مثبت معنادار وجود دارد، اما بین مؤلفه‌های جدا کردن امور مالی زوجین از یکدیگر و افزایش جلب حمایت فرزندان با کمرویی فرزندان رابطه‌ی معنی داری بدست نیامد.

جدول ۳، رابطه بین ترس از صمیمیت پدر و مادر و کمرویی فرزندان

پدر	مادر	ترس از صمیمیت در رابطه با همسر	ترس از صمیمیت در رابطه با دیگران	کمرویی
.۲۷۹**	.۰۶۷	.۳۸۳**	.۲۳۲*	

$p < 0/01$  \*\*  $p < 0/05$  \*

جدول ۳ رابطه بین ترس از صمیمیت در رابطه با همسر و در رابطه با دیگران را با کمرویی فرزندان نشان داده شده است. در این جدول به بررسی رابطه بین صمیمیت و کمرویی را در بین پدر و مادر به صورت جداگانه آورده شده است چنانکه مشاهده می‌نمایید رابطه بین ترس از صمیمیت (در رابطه با همسر و در رابطه با دیگران) با کمرویی فرزندان در پدر در سطح  $p < 0/01$  بیشتر از مادر است.



جدول ۴. پیش بینی کمرویی فرزندان از طریق مؤلفه های تعارض زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	R	R <sup>2</sup>	F	sig	B	SEM	B	T	sig
کمرویی	افزایش واکنش های هیجانی	.۵۲	.۲۷	۱۶/۵۸	.۰۰۰۱	۶/۴۵	۱/۰۴	.۳۸	۶/۱۸	.۰۰۰۱
	کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان					۱۸/۶۱	۳/۵۶	۱/۰۷	۵/۲۳	.۰۰۰۱
	کاهش همکاری					۱۶/۱۴۶	۳/۸۱	.۸۷	۴/۲۳	.۰۰۰۱

جدول ۴ مربوط به رگرسیون همزمان برای پیش بینی کمرویی فرزندان از طریق مؤلفه های تعارض زناشویی می باشد. در این رگرسیون از بین مؤلفه های تعارض زناشویی: مؤلفه های افزایش واکنش های هیجانی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، کاهش همکاری و کاهش رابطه جنسی که با کمرویی رابطه معنادار داشتند وارد مدل شدند. از بین متغیرهای پیش بین فقط مؤلفه های افزایش واکنش های هیجانی، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و کاهش همکاری توانستند کمرویی را با واریانس مشترک ۰/۲۷ و با کمتر از ۰/۰۰۰۱ خطا پیش بینی نمایند. همچنین برای هر یک از متغیرهای پیش بین B، مقدار خطا، بتا، آزمون T و sig آورده شده است.

جدول ۵. پیش بینی کمرویی فرزندان از طریق ترس از صمیمیت پدر و ترس از صمیمیت مادر

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	R	R <sup>2</sup>	F	sig	B	SEB	$\beta$	T	sig
کمرویی	ترس از صمیمیت پدر در رابطه با همسر	.۴۳۱	.۱۸۶	۱۲/۲۰	.۰۰۰۱	۴/۵۶	۱/۲	.۲۰	۲/۲۷	.۰۲۵
	ترس از صمیمیت پدر در رابطه با دیگران					۶/۵۱	۱/۷۳	.۳۳	۳/۷۶	.۰۰۰۱
	ترس از صمیمیت مادر در رابطه با دیگران					۶/۲۴	۲/۴۰	.۲۳۲	۲/۵۹	.۰۱۱

یافته های حاصل از رگرسیون همزمان برای پیش بینی کمرویی از طریق متغیر ترس از صمیمیت پدر و مادر در جدول ۵ نشان داده شده اند. نتایج ارایه شده گویای این مطلب است که ترس از صمیمیت پدر در رابطه با همسر و در رابطه با دیگران با کمرویی فرزندان ۰/۱۸۶ واریانس مشترک دارد و ترس از صمیمیت مادر در رابطه با همسر و در رابطه با دیگران فقط ۰/۰۵۴ با کمرویی واریانس مشترک دارد و نیز ترس از صمیمیت کلی پدر با مقدار خطای کمتر از ۰/۰۰۰۱ کمرویی را پیش بینی می کند و ترس از صمیمیت مادر با مقدار خطای ۰/۰۱۱ می تواند فقط در مؤلفه ترس از صمیمیت در رابطه با دیگران، کمرویی فرزندان را پیش بینی نماید.



### بحث و نتیجه گیری

رفتار پدر و مادر به مقدار زیادی نگرش فرزندان را نسبت به خودشان شکل می‌دهد (گلدنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). لذا دور از انتظار نیست که بچه‌هایی که در خانواده‌های دارای تعارض والدین زندگی می‌کنند تعدادی از مشکلات روان‌شناختی را نشان دهند. از جمله تحقیقات این زمینه می‌توان به تحقیقات (گراهام و لوندوسکی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸) مبنی بر پرخاشگری این کودکان و تحقیق (جاف<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۸۶) مبنی بر مشکلات بیرونی سازی و تحقیق (مارگولین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸) مبنی بر مشکلات درونی سازی کودکان رشد یافته در خانواده‌های با والدین متعارض اشاره کرد.

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت والدین، تعارضات زناشویی و مؤلفه‌های آن با کمرویی نوجوانان و نیز پیش‌بینی کمرویی از روی متغیرهای ذکر شده می‌باشد. نتایج انجام همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های تعارض زناشویی و کمرویی نشان داد که مؤلفه‌های کاهش همکاری، افزایش واکنش‌های هیجانی، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان بیشترین مقدار رابطه را با کمرویی فرزندان داشت بدین معنی که خانواده‌های دارای تعارضی که در مؤلفه‌های کاهش همکاری بین سایر اعضای خانواده، همچنین واکنشها و عکس‌العمل‌های عاطفی و هیجانی منفی در آنها زیاد است و نیز رابطه خانوادگی خود را با خویشاوندان و دوستان قطع کرده‌اند باعث بروز بیشترین کمرویی در فرزندان خود شده‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که از میان سایر مؤلفه‌ها فقط همین سه مؤلفه توانست کمرویی را پیش‌بینی نماید. در اولویت دوم مؤلفه‌هایی چون کاهش رابطه جنسی زن و شوهر با یکدیگر و افزایش رابطه فردی هر یک از زوجین با خویشاوندان خود باعث بروز کمرویی در پسران نوجوان خود شده‌اند، بنابراین فرض تحقیق اول مبنی بر وجود رابطه معنادار بین مؤلفه‌های تعارض زناشویی و کمرویی تایید می‌شود. از بین مؤلفه‌های تعارض زناشویی جدا کردن امور مالی زوجین از یکدیگر و افزایش جلب حمایت فرزندان با کم‌رویی فرزندان رابطه‌ای نداشت شاید به آن دلیل که این پژوهش در فرهنگ نسبتاً سنتی اجرا شده است، و جدایی مالی زن و شوهر از یکدیگر زیاد مطرح نیست. و در رابطه با این دو مؤلفه فرض تحقیق ما تایید نمی‌شود. همچنین شاید یکی از دلایل اینکه بین کمرویی فرزندان با افزایش جلب حمایت فرزندان رابطه‌ای وجود ندارد مربوط به نمونه ما باشد که دانش‌آموزان دبیرستانی بودند و این افراد در سن استقلال و هویت‌یابی هستند و تا حدودی در حال تمایز یافتگی و عدم وابستگی به والدین می‌باشند بنابراین بین جلب حمایت والدین و کمرویی آنها رابطه‌ای وجود ندارد. همسویی این یافته‌ها با تحقیقات پیشین مبین اصالت نتایج این یافته‌ها می‌باشد، پلگ پاپکوودار<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) در پژوهشی عدم وجود مؤلفه‌های سازگاری در خانواده از جمله تعارض را با ترس فرزندان از غریبه‌ها که در کمرویی سهم به‌سزایی دارد، دارای رابطه می‌داند. همچنین بوگل و برچمن (۲۰۰۶) معتقدند مشاهده رفتار و نحوه تعامل والدینی که با یک حالت تنیده عمل می‌کنند، می‌تواند به کودکان بیاموزد که ترس مشابهی را پرورش داده و وقایعی مشابه را در آینده برای خود تصور کنند و احساس خود کنترلی کمتر و تهدید بیشتری را داشته باشند.

همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و کمرویی گویای این بود که رابطه ترس از صمیمیت پدر با کمرویی در مقایسه با ترس از صمیمیت مادر بیشتر است و نیز نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از این بود که ترس از صمیمیت پدر به خصوص این ترس در رابطه برقرار کردن با دیگران بیشتر می‌تواند کمرویی فرزندان را پیش‌بینی کند بنابراین فرض دوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه مثبت معنادار بین ترس از صمیمیت و کمرویی تایید می‌شود. علت اینکه ترس از صمیمیت پدر بیشتر توانست کمرویی پسران را پیش‌بینی کند این است که چون فرزندان پسر در سنین اولیه بیشترین الگوبرداری در رفتار، احساس و افکار را از

1- Goldenberg

2- Graham & Levendosky

3- Jaffe

4- Margolin

5- Peleg-Popko & Dar



پدر خود دارند لذا ترس از صمیمی شدن پدر در رابطه با دیگران و در رابطه با همسر می‌تواند باعث الگوگیری کمرویی نوجوانان پسر شود شاید اگر نمونه ما مربوط به نوجوانان دختر بود ترس از صمیمیت مادر نسبت به پدر بیشتر می‌توانست کمرویی نوجوانان دختر را پیش‌بینی کند. این یافته‌ها با یافته‌های تحقیقات پیشین نیز همسو است. مطالعات بوگل و برچمن (۲۰۰۵) بیانگر این مطلبند که پدران در معرفی و آشنا کردن فرزندان با دنیای بیرون نقشی بیش از مادران دارند، و به نوبه خود سهم زیادی در کاهش ترس از اجتماع و کمرویی بچه‌ها دارند (کارد وچی ۱۹۹۶؛ ترجمه قائمی، ۱۳۸۴) در پژوهشی به این نتیجه رسید که ۴۰٪ افراد کمرو، کمرویی خود را به تعلیم و تربیت نسبت داده‌اند و اعتقاد دارند که کمرویی آنها حاصل تجربه‌های آنها مخصوصاً تجربه‌های دوران کودکی است. لذا نتایج این تحقیق می‌تواند نوید بخش جلوگیری از مشکلات روانشناختی نوجوانان با استفاده از مداخلات خانواده درمانی، و سهم عمده‌ای در کاهش عوارض روانی، گرایش به اعتیاد و الکل و روابط خطرناک در نوجوانان به خصوص پسران نوجوان داشته باشد.

#### منابع

- افروز، غلامعلی (۱۳۷۹). *روان شناسی کم رویی و روش های درمان*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ثناپی، باقر؛ علاقبند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره؛ هومن، عباس (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- رشیدی، فرنگیس (۱۳۸۶). *بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی و کمرویی با سلامت روان دانش آموزان دختر پایه سوم دوره دبیرستان شهر تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- فلاح زاده، هاجر و همکاران (۱۳۹۰). *بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس ترس از صمیمیت. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، دوره ۵، شماره ۱، صفحه ۷۰-۷۹.
- منتظرغیب، طیبه؛ احقر، قدسی (۱۳۹۰). *رابطه سخت رویی با میزان کمرویی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، دوره سوم، شماره ۹، ۱۰۴-۱۱۵.
- کاردوچی، برناردو (۱۹۹۶). *مقابله با کمرویی در کودکان و نوجوانان*، ترجمه قائمی، پروین (۱۳۸۴). چاپ اول، پیک بهار.

#### منابع لاتین

- Bogels, S. M. & Brechman-Toussaint, M. L. (2006). Family issues in child anxiety: Attachment, family functioning, parental rearing and beliefs. *Clinical Psychology Review*, 26, 834-856
- Cummings, E. M. (1994). Marital conflict and children's functioning. *Social Development*, 3, 16-36.
- Cummings, E. M., Goeke-Morey, M. C., & Papp, L. M. (2003). Children's responses to everyday marital conflict tactics in the home. *Child Development*, 74, 1918-1929.
- Emery, R. E. (1989). Interparental conflict and the children of discord and divorce. *Psychological Bulletin*, 92, 310-330.
- Goldenberg, N. A., & Schmidt, L., A. (2001). Shyness, sociability, and social dysfunction in schizophrenia. *Schizophrenia Research*, 48(2-3), 343-349.





- Graham-Berman, S., & Levendosky, A. (1998). The social functioning of preschool-age children whose mothers are emotionally and physically abused. *Journal of Emotional Abuse*, 1, 59–84.
- Rapee, R. M. (2001). *The development of generalized anxiety, The developmental psychopathology of anxiety* (pp. 481–503). New York: Oxford University Press.
- Robinson, J. A. L., Kagan, J., Reznick, J. S., & Corley, R. (1992). The heritability of inhibited and uninhibited behavior: A twin study. *Developmental Psychology*, 28, 1030–1037.
- Margolin, G. (1998). Effects of domestic violence on children. In P. K. Trickett & C. Schellenbach (Eds.), *Violence against children in the family and the community* (pp. 57–102). Washington, DC: American Psychological Association
- Main, M., & Solomon, J. (1990). Procedures for identifying infants as disorganized/disoriented during the Ainsworth Strange Situations. In M. T. Greenberg, D. Cicchetti, & E. M. Cummings (Eds.), *Attachment in pre-school years: Theory, research and intervention*. Chicago: University of Chicago Press.
- Peleg-Popko, O., & Dar, R. (2001). Marital quality, family patterns, and children's fears and social anxiety. *Contemporary Family Therapy*, 23(4), 465–487.
- Thorberg, Fred Arne, Lyvers Michael (2006). Attachment, fear of intimacy and differentiation of self among clients in substance disorder treatment facilities. *Addictive Behaviors*, 31, 732–737
- Zimbardo, P. G. (2000). *The Shy Child: A Parent's Guide to Preventing and Overcoming Shyness from Infancy to Adulthood*. New York: McGraw-Hill.